

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

خدا در فلسفه (۱)

اصطلاح خدا یکی از موضوعات مشترکی بوده که مورد بحث فلاسفه اسلام و غرب بوده است و نظریات و دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه شده است.

چه عواملی انسان را به بحث درباره وجود خداوند دعوت می‌کند:

- لزوم جلوگیری از زیان‌های مهم

هیچ انسان عاقلی در لزوم جلوگیری از زیان‌های مهم شک نمی‌کند. اصل لزوم دفع ضرر یکی از پایدارترین اصول زندگی بشر محسوب می‌شود

- لزوم شکر منعم

از نظر عقل شکرگزاری از کسی که به انسان نعمتی می‌بخشد کاری است پسندیده و لازم و ترک آن نکوهیده است.

- فطرت علت‌شناسی

حس کنجکاوی یکی از حس‌های نیرومند آدمی است، بحث از علت حوادث از مظاهر آشکار این حس فطری است.

مقدمتا باید گفت که این بحث (خدا در فلسفه):

- از یک جهت مربوط به یکی از فلسفه‌های مضاف یعنی «فلسفه دین» است؛ زیرا که به مهم‌ترین موضوع همه ادیان یعنی خدا می‌پردازد

• از جهت دیگر مربوط به «وجودشناسی» است زیرا یک بحث مهم در وجودشناسی، شناخت علت‌العلل و علت نخستین و مبدأ هستی (وجود) یعنی واجب‌الوجود بالذات است.

موضوع دوم یعنی وجودشناسی از یک جهت مربوط به «انسان‌شناسی فلسفی» است و از جهت دیگر مربوط به معرفت‌شناسی است که می‌خواهد حدود معرفت بشری را روشن سازد.

در دروس قبل این حقیقت را پذیرفتیم که موجودات ممکن و معلول وجودشان از خودشان نیست و نیازمند به علت هستند. علت آن موجودات، خدا است که بی‌نیاز مطلق است و وجودش از خودش است.

نکات پذیرش (تأیید) بحث درباره خدا

- گزارش‌های تاریخی و کتاب‌های آسمانی بیانگر آن است که اندیشه درباره خدا یک اندیشه دیرین در تمام جوامع بشری بوده است
- حکیمان و فرزندان جوامع در همراهی با پیام‌آوران الهی تلاش می‌کردند دریافتی درست و به دور از جهل و خرافات از خداوند به مردم عرضه کنند.

دوره یونان باستان

فیلسوفان بزرگ یونان باستان: سقراط، افلاطون و ارسطو

سؤال: فیلسوفان بزرگ یونان باستان در چگونه جامعه‌ای زندگی می‌کردند؟

۱- مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند

۲- هرکدام را مبدأ و منشأ یکی از واقعیات جهان می‌شمردند

سؤال: سه مورد از خدایانی که در یونان باستان رایج بوده نام ببرید

- «ژئوس» خدای آسمان و باران
- «آپولون» خدای خورشید و هنر و موسیقی
- «آرتمیس» خدای عفت و خویشترداری

نتایج انکار خدایان در یونان:

- طرد از جامعه یونان
- از دست دادن جان

سؤال: از نظر حاکمان و بزرگان یونان اتهام اصلی سقراط چه بود

- مخالفت با اندیشه شرک‌آلود بزرگان یونان
- خدایانی را که همه به آن‌ها اعتقاد داشتند انکار کرد و از خدایی جدید سخن گفت.

سؤال: از نظر افلاطون به چه خدایی اعتقاد داشت؟

هرچند گاهی از لفظ خدایان استفاده می‌کرد اما وی به وجود خدای یگانه معتقد بود و تلاش کرده که مردم را به این حقیقت هدایت نماید

سؤال: مواجهه افلاطون با یونان در مورد خدا چگونه بود؟

با دقت فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کرد و به تدریج پندارها را اصلاح نمود.

سؤال: تیلور چه کسی بود و چه عقیده‌ای داشت؟

یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی - افلاطون ابداع‌کننده خدانشناسی فلسفی است.

سؤال: تیلور ویژگی‌های خدای افلاطون را چگونه بیان کرده است

- خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی‌های روشن است
- خدای افلاطون با چندخدایی یونان تفاوت دارد
- کار خداوند هدف‌دار است و بر اساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می‌گیرد

سؤال: افلاطون هستی را چگونه توصیف کرده است (توصیف درباره خدا)

- توصیف وی کاملاً بر توصیف خدا در ادیان الهی منطبق است
- در سوی دیگر نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است
- نه می‌زاید و نه از میان می‌رود
- نه چیز دیگری را به خود راه می‌دهد
- و نه خود در چیزی دیگری فرو می‌شود
- نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است
- فقط با تفکر و تعقل می‌توان به او دست‌یافت و از او بهره‌مند شد.

سؤال: افلاطون از خداوند به چه عنوانی یاد می‌کند؛ توضیح دهید

۱- گاهی مثال خیر: همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می‌شوند و همان‌طور که روشنائی شبیه خورشید است اما خود خورشید نیست حقایق نیز شبیه به «مثال خیر» هستند نه خود آن.

۲- گاهی «صانع» و آفریننده اشیای عالم: تا به انسان‌ها یادآوری نماید نظم جهان از وجودی عاقل سرچشمه می‌گیرد. او می‌گوید: «یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می‌توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد»

سؤال: اعتقاد افلاطون شناسان در مورد نام‌های خداوند چیست؟

- اعتقاد دارند که «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو نام‌های دیگر خداوند است.
- دمیورژ، همان خدا است اما در مرتبه خلق جهان اما مثال خیر فقط اشاره به ذات خداوند دارد.
- نام بردن افلاطون از خدایان به معنای اعتقاد به چندخدایی نیست بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آتن است که به شدت مشرک‌اند.
- افلاطون تلاش کرد خداوند (مثال خیر) را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی‌تواند به آن جایگاه برسد

سؤال: تفاوت دو اصطلاح مثال خیر و دمیورژ چیست؟

دمیورژ، همان خدا است اما در مرتبه خلق جهان اما مثال خیر فقط اشاره به ذات خداوند دارد.

سؤال: ویژگی ارسطو فیلسوف یونانی چه بود و در مورد وجود خدا چه تلاشی کرد

بر خورداری از قدرت استدلال و منطق قوی- ارائه برهان‌هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان

دیدگاه ارسطو درباره خداوند

▪ برهان درجات کمال (دیدگاه خوب‌ترین و بهترین موجود)

هر جا که یک خوب‌تر و بهتر وجود دارد خوب‌ترین و بهترینی نیز هست. حال در میان موجودات برخی خوب‌تر و بهتر از برخی دیگرند. پس حقیقتی هم که خوب‌ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است.

سؤال: منظور ارسطو از برهان درجات کمال چیست؟

هرگاه دو موجود با یکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل‌تر و خوب‌تر از دیگری است باید یک کامل مطلق و یک خوب مطلق وجود داشته باشد که بتوان آن دو موجود را با این وجود کامل مقایسه نمود و هرکدام را که به این وجود نزدیک‌تر باشد، برتر و آن را که دورتر باشد، ناقص‌تر به حساب آورد.

▪ برهان حرکت

برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا= برهان حرکت

وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک حرکت نداشته باشد زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم

نیز به همین ترتیب نیازمند محرک دیگری است و سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

دوره جدید اروپا

سؤال: دوره جدید اروپا از چه قرنی و سبب پیدایش چه جریانی شده است

از قرن چهاردهم و پانزدهم – جریان عقل‌گرا و تجربه‌گرا (حس‌گرا)

دیدگاه برخی فیلسوفان اروپایی درباره خدا

▪ **دکارت:** فیلسوف عقل‌گرا قرن ۱۷

- من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم
- این تصور نمی‌تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی‌ام.
- این تصور از هیچ موجود متناهی دیگر هم نیست
- نتیجه: این تصور از یک وجود نامتناهی است؛ اوست که می‌تواند چنین ادراکی را به من بدهد.

▪ **دیوید هیوم:** فیلسوف حس‌گرا و تجربه‌گرای قرن هجدهم

- دلایل دکارت و سایر فیلسوفان پذیرفتنی نیست
- مردود دانستن دلایل متکی بر عقل
- عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد
- مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی را برهان نظم دانسته که از تجربه گرفته شده

سؤال: مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی از نظر هیوم چیست، مشکلات آن چیست

برهان نظم - این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان تنها می‌تواند ثابت کند که یک ناظم و خالق این جهان را اداره می‌کند اما ثابت نمی‌کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.

سؤال: فیلسوفان تجربه‌گرا از چه برهانی در اثبات خدا استفاده کردند

برهان نظم

▪ **کانت:** فیلسوف عقل‌گرا قرن هجدهم

- راهی متفاوت با دکارت و دیگر فلاسفه عقل‌گرای پیشین برای پذیرش خدا در پیش گرفت (ساختارشکنی کانت)
- اثبات وجود خدا از طریق نظم یا برهان علیت و یا وجوب و امکان را نفی کرد (نفی عقل نظری)
- ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد (به‌کارگیری عقل عملی)

خلاصه دیدگاه کانت درباره خدا

۱- انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می‌کند. این وجدان اخلاقی از او می‌خواهد که آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بپسندد.

۲- مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند زیرا برای موجودات بدون اختیار وظیفه اخلاقی معنا ندارد

۳- این اختیار و اراده نمی‌تواند ویژگی بدن باشد که ماده‌ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفس غیرمادی است که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی‌رود. این بعد غیرمادی انسان بهره‌مند از وجدان اخلاقی است.

۴- روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است چون موجودی غیرمادی و جاودانه است برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاویدان و نامتناهی است.

سؤال: اصل و قاعده اخلاقی که انسان در زندگی پیاده کند، چیست؟

آنچه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم پسندد.

سؤال: بعد غیرمادی انسان واجد چیست؛ توضیح دهید

وجدان اخلاقی - انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می‌شمارد و رذیلت‌های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می‌آورد

سؤال: در دیدگاه کانت قبول خداوند پشتوانه چیست؛ توضیح دهید

اختیار و اراده انسان و مسئولیت‌پذیری او و تکیه‌گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی - با قبول خداوند است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا می‌کند و از پوچی و بی‌هدفی خارج می‌شود.

سؤال: برای چه موجوداتی وظیفه اخلاقی معنا ندارد

موجودات بدون اختیار

سؤال: مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاقی در چه جایی معنا دارد؟

انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند

باور به خدا و معناداری زندگی

سؤال: مقصود از زندگی معنادار چیست؟

آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضائل اخلاقی و کرامت انسانی باشد.

سؤال: شرط زندگی معنادار در نگاه دکارت و کانت چیست؟

برخورداری از پشتوانه قبول خداوند

سؤال: نتیجه کوشش فیلسوفانی مثل کانت و دکارت چیست

استوار ساختن پایه‌های عقلی اعتقاد به خدا در میان مردم

سؤال: نتایج رشد تفکر حسی و حس‌گرایی در غرب پیرامون خدا چیست

• جهان را صرفاً حقیقتی مادی می‌دانستند

• انسان را موجودی مادی می‌شمردند

• پایه‌های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد

• زندگی برخی از مردم را تحت تأثیر قرارداد

سؤال: رشد تفکر حس‌گرایی چگونه زندگی مردم را تحت تأثیر قرارداد

• معنا و مقصود زندگی در میان آنان از جامعه اروپایی در حد اهداف مادی تنزل پیدا کرد

• زندگی فاقد معنا و ارزش‌های متعالی گردید

• بحران معناداری زندگی پدید آمد

سؤال: چه فیلسوفانی از تجربه معنوی درونی و عشق و عرفان برای باور به وجود خداوند استفاده کردند

• کرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم

• ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرن نوزدهم الی بیستم

• برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن بیستم

سؤال: دیدگاه ویلیام جیمز در مورد خداوند چیست

من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است

سؤال: ویلیام جیمز چگونه وجود خداوند را در تجربه‌های شخصی درونی توصیف می‌کند؟

هریک از ما احساس می‌کنیم که در هنگام سخن گفتن با خدا و راز و نیاز با او و توصیف زیبا و عاشقانه او به نوعی از تعالی و معنویت منتقل می‌شویم که ساعاتی قبل از آن تهی بوده‌ایم ما در ساعات و لحظه‌هایی خاص از زندگی، حضور او را حس می‌کنیم و در آن لحظه‌های حضور زندگی را متعالی و برتر می‌یابیم.

سؤال: نظر کرکگور در مورد ایمان چیست؛ توضیح دهید

ایمان هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان عطا می‌کند و نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد. خدا انسان مؤمن را برمی‌گزیند و به او ایمان هدیه می‌کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد

سؤال: بحران معناداری زندگی در قرن بیست و بیست و یک، حامل چه نتیجه‌ای بود

فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به‌جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد دچار خلأ معنایی و پوچی آزاردهنده‌ای خواهد شد.

سؤال: زندگی معنادار عبارت از چیست؟

یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش‌های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می‌کند و آرامشی برتر به او می‌دهد.

سؤال: عقیده کاتینگهام را در مورد آثار قبول خداوند در زندگی بیان کنید

زندگی ما را در بستری قرار می‌دهد که آن را با ارزش و بااهمیت می‌سازد و این امید را می‌دهد که به‌جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه‌ای افتاده‌ایم که در آن هیچ امری در نهایت اهمیت ندارد می‌توانیم مأمّن و پناهگاهی بیابیم.

سؤال: عامل اصلی معنا بخشی به زندگی چیست

خدا

سوالات امتحان (آزمون) نهایی

۱. تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد.

الف) به نظر «تیلور» افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. پاسخ: صحیح
(خرداد ۹۹)

ب) دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر نمی تواند از خودم باشد، زیرا من موجودی متناهی هستم. پاسخ: صحیح (شهریور ۹۹)

ج) از نظر کانت، اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد. پاسخ: صحیح
(شهریور ۹۹)

۲. گزینه درست را انتخاب کنید.

الف) استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا، مبتنی بر کدام مورد است؟ (۱) داشتن تصور از خالق نامتناهی (۲) داشتن وجدان اخلاقی. پاسخ: داشتن تصور از خالق نامتناهی (خرداد ۹۹)

ب) به نظر کدام فیلسوف اروپایی دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند، مردود هستند؟ (۱) هیوم (۲) دکارت پاسخ: هیوم (شهریور ۹۹)

ج) از نظر کانت، اختیار و اراده ویژگی (۱) بدن (۲) نفس) است. پاسخ: نفس
(خرداد ۱۴۰۰)

۳. هر یک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟

الف) دلیل وجود خداوند، عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است. (دی ۹۹)

ب) ۱- ضرورت وجود خداوند، از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی امکان‌پذیر است. (دی ۹۹). ۲- وجود جهانی ماورای دنیای مادی، مشروط به وجود خدائی جاودان و نامتناهی است (شهریور ۱۴۰۰)

ج) ۱- «در سوی دیگر نوعی از هستی است که نه می‌زاید و نه از میان می‌رود». ۲- نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است (خرداد ۹۹ و ۱۴۰۰)

د) «ایمان هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان عطا می‌کند». (خرداد ۹۹ و ۱۴۰۰)

ه) تصور انسان از یک موجود علیم و قدیر و نامتناهی، از جانب خداوند داده‌شده است. (خرداد ۱۴۰۰)

و) وجود حرکت در عالم، نیازمند یک محرکی است که خود آن حرکت نداشته باشد. (شهریور ۱۴۰۰)

۱- کانت (۲) هیوم (۳) ویلیام جیمز

۴- کرکگور ۵- افلاطون ۶- دکارت ۷- ارسطو

پاسخ: الف: ویلیام جیمز ب: کانت (هر دو مورد) ج: افلاطون (هر دو

مورد افلاطون است) د: کرکگور ه: دکارت و: ارسطو

۴. به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه بدهید:

الف) دو فیلسوف اروپایی را که از تجربه‌های درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کرده‌اند، نام ببرید. (شهریور ۹۹)

پاسخ: ویلیام جیمز - برگسون - کرکگور

۵. به سؤال‌های زیر پاسخ کامل بدهید:

۱- از نظر هیوم مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی کدام است و دلیل ناتوانی آن برهان برای اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی چیست؟ (خرداد ۹۹)

پاسخ: برهان نظم - زیرا بر اساس نظم موجود جهان حداکثر می‌توان یک ناظم و مدیر را اثبات کرد اما نمی‌توان به یک خالق نامتناهی واجب‌الوجود رسید.

۲- یکی از برهان‌های ارسطو را بر اثبات وجود خدا و مبدأ نخستین بنویسید. (شهریور ۹۹)

پاسخ: نمی‌شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد (هر برهان دیگر ارسطو)

۳- برهان حرکت ارسطو را مبنی بر اثبات وجود خداوند بنویسید. (دی‌ماه ۹۹ و خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ: وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن حرکت نداشته باشد؛ زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد نیازمند محرک دیگر است و آن نیز نیازمند محرک دیگر و این منجر به تسلسل می‌شود که عقلاً محال است

۴- استدلال دکارت بر اثبات وجود خداوند را توضیح دهید. (شهریور ۱۴۰۰)

پاسخ: من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگر به وسیله او خلق شده‌ایم تصویری دارم این تصور نمی‌تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم پس این تصور از وجودی نامتناهی است.



بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>